درس 40

1 دعا
رهبر گروه: دعا كنيد و اعضاي گروه و نيز اين درس را كه راجع به موعظة ملكوت خدا است، به خداوند بسپاريد.

2 در ميان گذاشتنِ آموخته‌ها (15 دقيقه)
ارمياء
هر يك به‌نوبت و به‌طور خلاصه براي ديگران تعريف كنيد كه در خلال يكي از «اوقات خلوتي» كه به مطالعه قسمت‌هاي تعيين‌شده از كتاب‌مقدس مشغول بوده‌ايد، چه آموخته‌ايد (ارمياء 15، 17، 18، 23)، (يا يادداشتهايي را كه در اوقات خلوت خود نوشته‌ايد، بخوانيد).
به كسي كه صحبت مي‌كند خوب گوش كنيد، سخنانش را جدي بگيريد و او را بپذيريد. در مورد آنچه مي‌گويد بحث نكنيد.

3 بخاطر سپردن (5 دقيقه)
عنوان مجموعه: منابع الهي
مرور: دو به دو مرور كنيد. منابع الهي 4: حكمت خدا: يعقوب 1-5.

4 بررسي كتاب‌مقدس (90 دقيقه)
روميان 1:12-21

مقدمه: هر چند كه تمام رسالة روميان پُر از آموزه‌هاي مسيحي و تعاليم پيرامون زندگي مسيحي مي‌باشد، بايد دانست كه تأكيد اصلي فصل‌هاي 1-11 روميان بر آموزه‌هاي مسيحي است و فصل‌هاي 12-16 اين رساله بر جنبة عملي اين آموزه‌ها.
موضوع فصل 12، تقديس مي‌باشد. فصل ششم رساله به ما آموخت كه عادل شدن و تقديس ما بر پاية اتحاد با عيسي مسيح در مرگ و قيام او است (6:2-7؛ ر.ش. اول قرنتيان 1:30). بدون طي مراحل قانوني عادل شدگي و بدون داشتن معيارهاي اخلاقي تقدس، هرگز در فرايند تقديس رشد نخواهيم كرد! و بدون تقديس، هرگز نمي‌توانيم از عادل‌شمردگي خود اطمينان بيابيم! از آنجا كه اتحاد با مرگ و قيام مسيح، امري دائمي است، رشد روحاني و فرايند تقديس مسيحي نيز بطور پويا ادامه پيدا مي‌كند (6:10-11). زماني كه شخص از عيسي مسيح تقاضا مي‌كند كه به قلب و زندگي‌اش وارد شود، از همان لحظه اتحاد روحاني او با عيسي مسيح آغاز مي‌گردد. بخاطر اتحاد روحاني با عيسي مسيح، روح‌القدس به زندگي فرد ايمان‌دار وارد مي‌گردد. روح‌القدس همان روح مسيح است، روحِ خداوند قيام‌كرده، صعودكرده و جلال‌يافته كه اكنون در آسمان سلطنت مي‌كند (8: 9-10). زندگي عملي و اخلاقي شخص مسيحي بر پاية كار تكميل‌شدة عيسي مسيح بر روي صليب بنا مي‌شود. رشد در تقديس به اين دليل است كه فرد مسيحي به عيسي مسيح تعلق دارد و عيسي مسيح زندگي روحاني را در او به كمك روح‌القدس به پيش مي‌برد.

گام 1: قرائت
قرائت: روميان 1:12-21 را با هم بخوانيم.
هر يك از ما به‌نوبت يك آيه را بخوانيم تا قرائت تكميل شود.

گام 2: كشف كردن
ملاحظه: كدام حقيقت در اين بخش براي شما مهم است؟
يا: كدام حقيقت در اين بخش فكرتان يا قلبتان را لمس مي‌كند؟
يادداشت: يك يا دو حقيقت را كه درك مي‌كنيد كشف نماييد، در موردشان تفكر كنيد، و فكرتان را در دفترتان يادداشت كنيد.
در ميان گذاشتن: (پس از آنكه اعضاي گروه وقتي را به فكر كردن و يادداشت كردن گذراندند، بخواهيد كه به‌نوبت افكارشان را در ميان بگذارند).
حالا به‌نوبت آنچه را كه كشف كرده‌ايم، با يكديگر در ميان بگذاريم.
(سطور بعدي نمونه‌اي است از اينكه چطور افراد كشفيات خود را در ميان مي‌گذارند. به ياد داشته باشيد كه در هر گروه كوچك، اعضاي گروه مطالب متفاوتي را با هم در ميان خواهند گذاشت، و نه الزاماً مطالب ذيل را.)

كشف 1ـ در روميان 12:1 حقيقت مهمي براي من وجود دارد. مسيحيان در قبال بدن خود مسؤوليت دارند.

بدن يك مسيحي، نقش مهمي در تقديس او ايفا مي‌كند. آية 1 مي‌گويد: «لهذا اي برادران شما را به رحمتهاي خدا استدعا مي‌كنم كه بدنهاي خود را قرباني زنـدة مقـدس پسـنديدة خـدا بگذرانيـد كـه عبـادت معقول شماست». مكاتب بسياري وجود دارد كه بدن را خوار يـا ناپـاك مي‌شـمارند. دسـتورات اخلاقي و ايده‌آل روحاني آن اديان اين است كه شخص از دام جسم رهايي يافته، آن را تضعيف كنـد. بـر عكس، در ايمان مسيحي، بدن انسان بسيار مهم است. از زمان پيدايش به اين سو، بدن ما انسـانها سـهم مهمي در تشكيل تماميّت انسانيت ما داشته است (پيدايش 2:7، ـ 21-23). درست است كه در پايان زنـدگي، بـدن ما بخاطر گناه مي‌ميرد، ولي مرگ جزيي از نقشة اولية خدا نبـود. خـدا بـدن مـا را از نـو قيـام خواهـد داد (دانيال 12:2؛ فيليپيان 3:20-21). از آنجا كه بدن يك مسيحي، معبـد (هيكل) روح‌القـدس اسـت، شـخص ايمان‌دار موظف است كه اعضاي بدن خود را به‌عنوان آلات راستي و عـدالت به‌كـار گـيرد (6:13، ـ 19). يك مسيحي بدن خود را به‌عنوان قرباني زنده به خدا تقديم مي‌كند، اين بدان معني است كه بدن ما بطور مرتب ابزار و وسيلة عـدالت و عبـادت خـدا مي‌گردنـد. شـخص مسـيحي بـه جـاي آنكـه بـدن خـود را بـه شهوتهاي ناپاك و گناه‌آلود تسليم نمايد، آن را به‌عنوان قرباني زندة مقدس پسنديدة خـدا ، بـه خـدا تقـديم مي‌دارد. او خود را از هر آنچه كه باعث ناخشنودي خدا است جـدا مي‌سـازد و آن كارهـايي را مي‌كنـد كـه موجب خشنودي او مي‌گردد. زماني كه يك مسيحي بدن خود را به‌عنوان هديه‌اي پسنديده بـه خـدا تقـديم مي‌كند، بدان معني است كه تنها انگيزة او در زندگي، خشنودي و شـادي خـدا و جلال او مي‌باشـد. پـولس رسول اين تقديم كردن بدنهاي خود را عبادت معقول ناميده است. يعني بجاي عبادت خشـك و ظـاهري و مملو از حركات و كلمات بي‌معني، يك مسيحي دائماً و بطور هوشمندانه، خدا را بـا بـدن خـود پرسـتش و عبادت مي‌كند.

كشف 2ـ در روميان 12:2 حقيقت مهمي براي من وجود دارد. مسيحيان در مقابل ذهن و فكر خود مسؤوليت دارند.

ذهن يك مسيحي كليد راه تبديل شدن اوست. آية 2 مي‌گويد: «و همشكل اين جهان مشويد بلكـه بـه تازگي ذهن خود صورت خود را تبديل دهيـد تـا شـما دريـافت كنيـد كـه ارادة نيكـوي پسـنديدة كامـل خـدا چيسـت». زنـدگي كامـل مسـيحي بـدون رعـايت معيارهـاي مسـيحي امكان‌پـذير نيسـت. بـه همين دليل، معيارهاي اين جهان گناهكـار نبايـد معيارهـاي فـرد مسـيحي باشـند. او همچـنين نبايـد راه و رسـم زنـدگي مسيحي را از رهبران مذهبي و شخصيت‌هاي روحاني مرامهاي مختلف بياموزد. بلكه تنهـا منبـع معيارهـاي اخلاقي او بايد خدا باشد، همان خدايي كه خود را در شـخص عيسـي مسـيح بـه جهـان شناسـانيده اسـت (ر.ش. افسسيان 5:1-2). آية 2 حاوي يك امر و يك نهي به همراه يك وعدة مهم است.

الف) نهي. «همشكل اين جهان مشويد»! پولس ما را از همشكل شدن با اين جهان، مردمان گناهكار و شـرارت اين دنيـا برحـذر مي‌دارد. «نگذاريـد كـه معيارهـاي اين جهـان گناهكـار، الگـوي شـما شـوند و شخصيتتان را شكل دهند.»

بنابراين، يك نفر مسيحي بايد از جنبه‌هايي از زندگي اين دنيا كناره‌گيري نمايد. براي مثال، كتاب‌مقدس به ما مي‌گويد كه مسيحيان بايد از فحش دادن خودداري كنند، ترانه‌هاي مبتذل را نخوانند و يـا بـا مجلات و كتابهاي مستهجن و مبتذل كاري نداشته باشند، از ديدن فيلمهاي غير اخلاقي خـودداري نماينـد، از كارهـاي سؤالبرانگيز دوري كنند و در مجالس لهو و لعب و ضيافت‌هايي كه ممكن است مكان گنـاه و غيبت باشـند پرهيز نمايند. اولين نشانه زندگي جديد مسيحي، توبه و دوري كردن از گناه است (اول تسالونيكيان 1:9). زندگي مسيحي نبايد بر شالودة مناسبات زودگذر اين جهان شرير بنا شود (اول يوحنا 2:17؛ اول قرنتيـان 2: 6،8). بر عكس، برنامه و نقشة يك فرد ايمان‌دار بايد بر مبناي جهان آينده و معيارهاي جهاني باشد كه در آن خدا سلطنت مي‌كند.

ب) امر. «به تازگي ذهن خود صورت خود را تبديل دهيد». يعني اينكه باطن خود را آنگونه تغيـير دهيـد تا تغيير و تبديل همه جانبه‌اي را تجربه نماييد.

بنابراين در اين راستا، يك مسيحي بايد كارهاي خاصي را انجام دهد. براي مثال، يك فرد ايمان‌دار بايـد بطور دائم در امر تبديل خود، با روح خدا همكاري نمايد، راههاي خدا و ارادة او را از كتاب‌مقدس بيـاموزد، ذهن خود را با كلام خدا پُر نمايـد و بـه روح‌القـدس اجـازه بدهـد كـه در او كـار تبـديل را به‌انجـام برسـاند. ايمان‌داران بايد دائماً وجدان، اعتقادات، و افكار خود را با كتاب‌مقدس محـك بزننـد و گوششـان دائمـاً بـه هدايت روح‌القدس باز باشد. اين حكم كلام خـدا، از يـك سـو راه را بـراي تنبلي روحـاني و انفعـالي بـودن ايمان مي‌بندد و از سوي ديگر ايمان‌داران راز غرور روحاني و اطمينان كاذب به رشـد روحـاني محـافظت مي‌نمايد. پولس رسول ايمان‌داران را به بركت ثانوي و يا تجربة روحاني تازه‌اي تشويق نمي‌كند بلكه ما را تشويق مي‌نمايد كه دائماً ذهن‌هاي خود را تازه كنيم.

ج) وعده. وعده‌اي كه به همراه اين امر و نهي آمده اين است كه در سـاية رعـايت كـردن نكـات بـالا، شخص مسيحي ارادة خدا را در زندگي خود درك و تجربـه خواهـد نمـود. يعـني از آنجـا كـه ارادة خـدا اين است كه زندگي‌هاي ما مملـو از قدوسـيت، محبت و عـدالت و انصـاف الهي باشـد، در سـاية رعـايت اين نكات، محبت، انصاف، عدالت و قدوسيت خدا در زندگي ما ديده خواهد شد.

گام 3: سؤال
ملاحظه: از اين بخش چه چيزي مايليد از گروه بپرسيد؟

سعي كنيم همه حقايق موجود در روميان 12:1-21 را درك كنيم و در مورد مطالبي كه درك نمي‌كنيم، سؤال كنيم.
يادداشت: سؤال خود را تا حد امكان روشن طرح كنيد. سپس آن را در دفترتان بنويسيد.
در ميان گذاشتن: (پس از آنكه اعضاي گروه وقتي را به تفكر و يادداشت كردن گذراندند، اجازه دهيد ابتدا هر كس نظرات خود را مطرح كند.)
بحث: (سپس چند تا از اين سؤالات را انتخاب كنيد و بكوشيد در بارة آنها در گروه بحث كنيد و پاسخشان را بيابيد.)
(مطالب ذيل نمونه‌هايي است از سؤالاتي كه ممكن است محصلين مطرح كنند؛ همچنين تذكراتي براي بحث در بارة سؤالات ارائه شده است.)

سؤال 1. (12:3) معني آية 3 چيست؟ اين آيه مي‌گويد: «زيرا به آن فيضي كه به من عطا شده است هر يكي از شما را مي‌گويم كه فكرهاي بلندتر از آنچه شايسته است مكنيد، بلكه به اعتدال فكر نماييد به اندازة آن بهرة ايمان كه خدا به هر كس قسمت فرموده است».
يادداشتها. سخن پولس رسول در بارة تفاوت‌هايي است كه در ميان ايمان‌داران و اعضاي كليسا وجود دارد. حداقل سه تفاوت اصلي در ميان ايمان‌داران وجود دارد. بر اساس آية 3، مسيحيان ممكن است در بهرة ايمان با يكديگر تفاوت داشته باشند. بر اساس آية 4، اين تفاوت ممكن است در رابطه با كارهاي متفاوت در كليسا باشد. و بر اساس آية 6، خدا به مسيحيان عطاياي روحاني متفاوتي عطا مي‌فرمايد. خدا با حكمت ازلي و اقتدار ملوكانة خويش مي‌داند كه به چه كسي چه عطيه‌اي را براي چه كاري اهدا كند و بدين گونه مسير خدمت و تقديس افراد را مشخص كرده، از يكديگر مجزا مي‌كند.

الف) خودبزرگ‌بيني گناه است. «فكرهاي بلندتر از آنچه شايسته است مكنيد». با اين كلمات، خدا ما مسيحيان را نسبت به گناه خودبزرگ‌بيني هشدار مي‌دهد. غرور باعث مي‌شود كه شخص مسيحي در كليسا منصب و كاري را بخواهد كه متعلق به او نيست و عطا و دعوت و مسح آن را ندارد. مسيحياني كه به كار و وظيفة خود در كليسا قانع نيستند و در پي كارهاي بزرگتر و مهم‌تر از بهرة ايمانشان مي‌باشند، خود را در خطر گناه خودبزرگ‌بيني و لغزش و سقوط قرار مي‌دهند.

ب) فروتني كاذب گناه است. «بلكه به اعتدال فكر نماييد». خدا مي‌خواهد كه فرزندانش به اعتدال فكر كنند. گرچه يك ايمان‌دار نبايد خود را بزرگتر از آنكه هست بشمارد، ولي در عين حال، نبايد فيض و عطاي خدا و مسح روح‌القدس در زندگي خود را دست‌كم انگاشته، دچار عقدة حقارت شود زيرا كه عقدة حقارت و فروتني كاذب نيز گناه است.

ج) اندازة ايمان. كلمة «بهرة ايمان» يا اندازة ايمان، به نتيجة سنجش و ارزيابي اشاره دارد، يعني يا به مقدار يا به نوعي كه مورد سنجش قرار گرفته است. ممكن است به مقدار ايماني اشاره مي‌كند كه مورد سنجش است. اما طبق افسسيان 4:7 تأكيد بيشتر بر نوع ايمان است، يعني آن نوع از عطاي روحاني يا آن نوع از خدمت كه خدا به‌گونة مقتدرانه براي هر مسيحي پيمايش كرده است. اندازه‌هاي مختلف ايمان به‌معني راههاي گوناگوني است كه مسيحيان بايد ايمان خود را بروز دهند و به‌عمل آورند و اين كار بخاطر عطاهاي روحاني مختلف و خدمات مختلف ايشان در كليسا مي‌باشد. نمونه‌هايي از آنچه كه براي مسيحيان پيمايش شده است، تنوع عطايا و خدماتي است كه در آيات 6-8 آمده است. هر مسيحي بهره (ميزان) خاص خود را مي‌يابد، يعني آن عطاي روحاني و آن خدمتي را كه خدا در حاكميت مقتدرانه خود براي او تعيين كرده تا در كليسا براي خدمت به‌كار گيرد. و هر مسيحي بايد با خدمت به خدا با عطاي روحاني و خدمت تعيين‌شدة خود، ايمان خود را بروز دهد يا به‌عمل آورد.
ايمان نه تنها براي عضويت كليسا، بلكه براي انجام خدمات مختلف در كليسا نيز لازم است. تمام عطاهاي روحاني را بطور مناسب فقط با ايمان به مسيح (12:3؛ فيليپيان 4:13) و به‌واسطة محبت به ديگران (اول قرنتيان 13:1-13) مي‌توان بطور مناسب به‌عمل آورد. اين واقعيت كه عطاياي روحاني و خدمات در كليسا داراي بهره (يا ميزان يا پيمايش) مي‌باشد (افسسيان 4:7)، بدين معني است كه هر عطاي روحاني بر اساس نوع خدمت و بر اساس موقعيتي كه در آن بايد به‌كار گرفته شود، داراي محدوديت‌هايي است.

سؤال 2. (12:4-8) وظيفة يك مسيحي در كليسا چيست؟

الف) تعريف عطاياي روحاني. عطاي روحاني عبارت است از يك انگيزه، ميل، عمل و يا قابليت خاصي است كه خدا به انسان عطا مي‌كند. بر اساس اول قرنتيان 12:4-7، عطاياي روحاني نشانگر قدرت، حكمت و يا فيض خدا در زندگي زندگي فرد مسيحي مي‌باشد.

ب) هدف عطاياي روحاني. وظيفة هر مسيحي اين است كه از عطيه‌اي كه خدا بدو داده است در راه كليسا و خدمت به ديگران استفاده كند. بدن ما داراي اعضاي مختلفي است و هر چند هر يك از آنها كار خاصي به عهده دارند ولي همگي اعضاي يك بدن مي‌باشند. به همين منوال، مسيحيان هم اعضاي يك

بدن هستند و هر يك بايد كار خود را خوب انجام دهد.آية 5 مي‌فرمايد: «فرداً اعضاي يكديگريم» (ر.ش. افسسيان 4:25). يعني اينكه مسيحيان بايد يكديگر را با كمك عطاياي روحاني كه از خدا يافته‌اند خدمت و بنا كنند (اول پطرس 4:10).

ج) انواع عطاياي روحاني. بر اساس اول قرنتيان 12:ـ 28، سه عطاي مهم روحاني عبارتند از: اول رسولان، دوم انبياء و سوم ، معلمين. روميان 12:6-8 نبوت را در صدر جدول قرار مي‌دهد. علت اين بود كه در زمان نگارش اين رساله، رسولي در روم نبود (15:15-29، مخصوصاً در آية 20 پولس خاطر نشان مي‌كند كه بر پاية رسول ديگر بنا نكرده است). با اين همه، بايد دانست كه در روميان 12:6-8 ترتيب عطايا را نبايد به معني اهميت آنها درك نمود. در روميان 12، چهار عطية اول، يعني عطاياي نبوت، خدمت، تعليم و موعظه، عطاياي هستند كه در حيطة خاصي بايد به‌كار گرفته شوند. سه عطية آخر، يعني رحم، سخاوت و رهبري، عطاياي هستند كه بيشتر به نگرش اشخاص مربوط مي‌شوند. پس اگر كسي مي‌خواهد نيازهاي ديگران را پاسخ گويد، اين كارش را بايد با سخاوت انجام دهد. رهبر بايد اجتهاد و پشتكار از خود نشان دهد. رحمت كردن به افراد بايد همراه با سرور و شادي باشد.

سؤال 3. (12:6) عطية نبوت مسيحي چيست؟
يادداشتها. كلمة نبوت به معني اعلام كردن است. نبوت عطية خاصي است كه به وسيلة آن نبي حقايق خدا را به ديگران مكشوف و بازگو مي‌كند (اعمال 2:16-17؛ 21:10-11).

الف) نبوت در كليساي اوليه. در كليساي اوليه، يعني پيش از آنكه عهدجديد تكميل شود و در اختيار ايمان‌داران قرار گيرد، نياز مبرمي به نبوت وجود داشت. مسيحيان عهدجديد را در دست نداشتند و لذا خدا از انبياي خود براي تعليم ايمان‌داران و بازگو نمودن حقايق خود به كليسا استفاده مي‌كرد. انبيا مردم را به چگونگي زندگي مسيحي راهنمايي مي‌كردند. گاه نيز انبياء كليسا را از اتفاقاتي كه قرار بود در آينده رخ دهد آگاه مي‌ساختند. تاريخ مسيحيت نشان مي‌دهد كه انبيا تا زمان به تكميل رسيدن كتاب عهدجديد وجود داشتند.
انبياي عهدجديد به حسب ميزان و بهرة ايمانشان نبوت مي‌كردند. اين بدان معني است كه نبوت انبياي عهدجديد در چهارچوب ايمان و عطاياي روحاني ايشان قرار داشت و مطابق حيطه‌اي كه خدا برايشان مقرر فرموده بود نبوت مي‌كردند. از يك طرف، انبياي عهدجديد حقايقي را كه خدا به ايشان امر فرموده بود به زبان مي‌آوردند (اعمال 20:20). از طرف ديگر، انبياي عهدجديد هرگز از حدي كه خدا برايشان مقرر كرده بود پا فراتر نمي‌گذاشتند (ارمياء 23:21-22).

ب) نبوت پس از تشكيل كانُن كتاب‌مقدس. پس از به اتمام رسيدن و تكميل و تدوين 66 كتاب كتاب‌مقدس، ديگر هيچ كس مثل انبياي كتاب‌مقدس نبوت نمي‌كند. هيچ نبوت ديگري به كتب 66گانة كتاب‌مقدس اضافه نخواهد شد (ر.ش. مكاشفه 22:ـ 18-19). مسيحياني كه عطية نبوت را دريافت كرده‌اند بايستي حقايق مكشوفه در كتاب‌مقدس را بازگو نمايند. همانگونه كه پولس رسول در اول قرنتيان 4:6 تعليم مي‌دهد، انبياي عهدجديد حق ندارند كه از حد و مرز و چهارچوب كلام خدا پا فراتر نهند. به همين ترتيب، همانگونه كه اعمال 17:11 و اول قرنتيان 14:29 به‌روشني نشان مي‌دهند، مسيحيان قادر خواهند بود كه درستي و نادرستي نبوت‌ها را به وسيلة كتاب‌مقدس محك بزنند و از طريق مراجعه به كتاب‌مقدس، انبياي دروغين را شناسايي نمايند.

سؤال 4. (12:10) چگونه مسيحيان يكديگر را بيشتر از خود اكرام مي‌دارند؟
يادداشتها. از آنجا كه انواع مختلف عطايا و قابليت‌هاي روحاني وجود دارد و از آنجا كه خدمات و متنوع در كليسا وجود دارد و به هر كس بهرة خاصي از ايمان بخشيده شده است، هر ايمان‌داري عطية خاصي و قابليتي مخصوصي دارد و قادر است كه كاري مثبت و مفيد و خوب براي ملكوت خدا انجام دهد. هر ايمان‌دار مسيحي مي‌تواند در كارها شراكت داشته باشد و سهمي در بناي كليسا به عهده بگيرد. هر فرد مسيحي حداقل يك عطية روحاني دارد. هيچ كس توان انجام همة كارها را ندارد و به هيچ كس قابلت و نيرو و عطية انجام همة مسؤوليت‌ها داده نشده است. مسيحيان به يكديگر نيازمند هستند و بنابراين لازم است كه ديگران و عطاياي روحاني و قابليت‌هاي ايشان را محترم شمرد. بر اساس فيليپيان 2:4، ما بايد ديگران را بهتر از خودمان بدانيم و ديگران را بيشتر از خود اكرام نماييم. اين بدان معني است كه از ايمان‌داران ديگر بخاطر نقشي كه در پيشبرد كارها ايفا مي‌كنند قدرداني كنيم. هيچ چيز در كليسا مخرب‌تر از اين نيست كه از كارهاي ديگران انتقاد كنيم و خدمت و زحمت ديگران را كم‌اهميت قلمداد نماييم. ولي زماني كه مسيحيان از خدمات و زحمات يكديگر تشكر و قدرداني كنند، كليسا رشد و قدرت را تجربه خواهد نمود.

سؤال 5. (12:17-21) تعليم كتاب‌مقدس در رابطه با انتقام چيست؟
يادداشتها.

الف) مسيحيان هرگز نبايد انتقام بكشند. آية 17 مي‌گويد: «هيچكس را به عوض بدي بدي مرسانيد». هر چند حكومت‌ها موظف هستند كه متخلفين را مجازات كند (13:4)، ولي مسيحيان اجازه ندارند كه

خود رأساً اجراي قانون را به دست خود گرفته، شريران را به مكافات برسانند. حتي اگر مسيحيان مورد ظلم و تعدي قرار بگيرند، نبايد دست به اعمال انتقام‌جويانه بزننـد (12:19؛ اول تسـالونيكيان 5:15؛ اول پطرس 3:9). برعكس، مسيحيان بايد مواظب اعمال و رفتار خود باشند مبادا كه اعمالشان باعث لغزش ديگران شود (دوم قرنتيان 8: 12). ايمان‌داران نه تنها لازم است كه اعمالشان در نظر ديگران مناسب و در شأن نام مسيح باشد، بلكه لازم است كه بر خلاف ميل و ارادة خدا كـاري انجـام ندهنـد (دوم قرنتيـان 4:2؛ اول تيموتاؤس 3:7). زماني كه مسيحيان اين نكات را ناديده مي‌گيرند، باعث بدنامي عيسي مسـيح خواهند شد!

ب) مسيحيان بايد با ديگران در صلح و صفا زندگي كنند. آية 18 مي‌فرمايد: «اگر ممكن است به قدر قوه خود با جميع خلق به صلح بكوشيد». زندگاني در صلح با كساني كـه بـه مـا بـدي مي‌كننـد سـه معـني دارد:

1- مسيحيان با ايشان درگير نشوند.
2- مسيحيان بكوشند كه تا حد ممكن رابطة گسسته شده را ترميم و بازسازي كنند.
3- مسيحيان در عوض بدي به ايشان نيكي نمايند.

البته بايد دانست كه اين امر هميشه امكان پذير نيست. بعضـي اوقـات روشـهاي بـد ديگـران، زنـدگي صلح‌آميز با ايشان را ناممكن مي‌سازد. و گاهي ديگر، مسائل مهم‌تري از قبيل «شـركت نجسـتن در گنـاه ديگران» باعث ايجاد تنش و اصطكاك شده، عامل دشمني و تنفر ايشـان از شـما مي‌گـردد. هـر چنـد كـه مسيحيان وظيفه دارند كه به قدر قوت خود با ديگران در صلح و سـلامتي زنـدگي كننـد، ولي مـا همچـنين موظفيم كه گناهان مردم را به ايشان گوشزد كـرده، خطاكـاران را تـوبيخ كـنيم و در مقابـل تعـاليم غلـط ايستادگي نماييم.

ج) مسيحيان بايد قضاوت و انتقام را به خدا واگذار كنند. آية 19 مي‌فرمايد: «اي محبوبان انتقام خود را مكشيد بلكه خشم را مهلت دهيد زيرا مكتوب است خداوند مي‌گويد كـه انتقـام از آن منسـت من جـزا خواهم داد». خدا تنها كسي است كه حق قضـاوت و تنبيـه افـراد را دارد و او در هـر جـامعه‌اي كسـاني را مامور جلوگيري از تخلفات و مجازات متخلفين مي‌نمايد. در كتاب‌مقدس افراد ذيل حق مجازات متخلفين را دارا مي‌باشند:

1- خدا به حكومت‌ها و دستگاه قضايي ممالك، اقتدار و مسؤوليت دستگيري و مجازات خلافكاران را داده است (13:3-4). ولي بايد به ياد داشت كه اقتدار و اختيارات حكومتها محدود است؛ براي مثـال آنهـا اجازه ندارند مسيحيان مطيع قانون را مورد جفا و آزار قرار دهند (اعمال 4:19-20؛ 5:29).

2- والدين نيز از سوي خدا اقتدار دارند و مسؤول تنبيه كارهاي خلاف فرزندان نابـالغ خـود مي‌باشـند (امثال 3:11-12؛ 13:24؛ 19:18؛ 22:15؛ 23:13-14؛ 29:15،17؛ عبرانيان 12:5-11). ولي والدين هم بايد بدانند كه اقتدار ايشان محدود است. پدرها نبايد فرزندان خود را به خشم بياورند (افسسيان 6:4؛ كولسيان 3:21).

3- كليساهاي محلي نيز از سوي خدا داراي اقتدار و مسؤوليت هستند كـه اعضـاي متخلفي را كـه در گناه به سر مي‌برند و بطور مكرر مرتكب خلاف مي‌شوند، تنبيـه و تـوبيخ نماينـد (اول قرنتيـان 5:12-13؛ دوم تسالونيكيان 3:6، 14-15؛ اول تيموتاؤس 5:20؛ تيطس 5:20).

ولي با وجود اين، مسيحيان بايد تمامي دردها و بي‌عدالتي‌هايي را كه بر سرشان مي‌آيد به خدا واگـذار نمايند. در اول پطرس 2:23 مي‌خوانيم كه زماني كه به خداوند ما عيسي مسيح دشنام مي‌دادنـد، دشـنام پس نمي‌داد و چون عذاب مي‌كشيد تهديد نمي‌نمود بلكه خويشتن را به داور عادل تسليم كـرد. او خـود را به خداي پدر تسليم كرد و بر او توكل نمود (مزمور 37:5-13).

د) مسيحيان بايد بوسيلة نيكويي، بر شرير و شرارت پيروز شوند. آيات 20-21 مي‌فرمايد: «پس اگر دشمن تو گرسنه باشد او را سير كن و اگر تشنه است سيرابش نما زيرا اگر چنين كني اخگرهاي آتش بر سرش خواهي انباشت. مغلـوب بـدي مشـو بلكـه بـدي را بـه نيكـويي مغلـوب سـاز.» مسـيحيان نبايـد از سختي‌ها و شرارت اطرافشان خسته‌خاطر و دلسرد شـوند. بـرعكس، ايمـان‌داران قادرنـد كـه بـا خـوبي كردن، ابزار خدا براي مغلوب بدي و شرارت در جهان باشند. با اين ترتيب است كه ايمـان‌داران، بـر سـر نيروهاي شرارت «اخگرهاي آتش» خواهند انباشت. يعني اينكه يا بخـاطر مهربـاني و نيكـويي مـا، دشـمن نرم خواهد گرديد و دسـت از دشـمني و شـرارت نسـبت بـه مـا بـر خواهـد داشـت و يـا اينكه، در طريـق شرارت و بدي خود پافشاري خواهد كرد و به اين ترتيب جهنم و آتش جاوداني را براي خود خواهد خريد.

گام 4: كاربرد

ملاحظه: كداميك از حقايق موجود در اين بخش، چيزي اسـت كـه مسـيحيان مي‌تواننـد امـروز آن را به‌كـار ببرند؟

در ميان گذاشتن و يادداشت كردن: با يكديگر فكر كنيم و از روميـان 12:1-21 فهرسـتي از كاربردهـاي احتمـالي تهيه كنيم.

ملاحظه: كدام كاربرد احتمالي را خدا مي‌خواهد كه شما به‌كاربردي شخصي براي خودتان تبديل كنيد؟

يادداشت كردن: اين كاربرد شخصي را در دفترتان بنويسيد. مي‌توانيد كاربرد شخصي‌تان را با ديگران در ميان بگذاريد.
(به ياد داشته باشيد كه در گروههاي مختلف، افراد ممكن است حقايق متفاوتي را براي كاربرد شخصي انتخاب كنند، يا حتي كاربردهاي متفاوتي را از يك حقيقت استخراج كنند. ذيلاً فهرستي از كاربردهاي احتمالي را ارائه مي‌دهيم.)

كاربردهاي احتمالي
-12:1؛ بطور مرتب و دائم اعضاي بدن خود را به‌عنوان آلات راستي و عدالت، وقف خدمت خدا نماييد.
-12:1؛ بدن خود را از هر آنچه موجب ناخرسندي خدا مي‌شود جدا سازيد و آن خود را براي كارهايي كه مايهٔ خشنودي اوست، تقديم خدا نماييد.
-12:2؛ از همراهي و يكي شدن با مردم شرير و طريق‌هاي آنها خودداري كنيد. اجازه ندهيد كه مدلهاي لباس و راههاي اين جهان شما را بدنبال خود بكشانند. اجازه ندهيد كه كلمات بد و فحش از دهانتان بيرون بيايد، به موسيقي دنيوي و گناه آلود گوش ندهيد، مجلات و كتابها و فيلمهاي بد و شرير و مستهجن را نگاه نكنيد، از پوشيدن لباسهاي بد و زننده خودداري نماييد، در مهماني‌ها و بزمهايي كه بوي ناپاكي و غير اخلاقي از آن به مشام مي‌رسد شركت نكنيد و از معاشرت با دوستان ناباب پرهيز نماييد.
-12:2؛ خود را به تغيير دروني و تبديل باطني مقيد و متعهد سازيد. سعي كنيد كه دائماً خود را تبديل و تغيير دهيد. كتاب‌مقدس را مرتب مطالعه كنيد و سعي كنيد كه از آن ارادهٔ خدا را درك كنيد و از روح‌القدس بخواهيد كه شما را هر روزه متبدل سازد. هر روزه از روح‌القدس بخواهيد كه وجدان و روانتان را با قدوسيت خودش محك بزند و شما را تفتيش و امتحان كند. اعتقادات فكري و عقايد خود را با كتاب‌مقدس و احكام خدا بسنجيد و معيارهاي الهي را در زندگي خود مبنا قرار دهيد.
-12:3؛ دچار عقدهٔ خودبزرگ‌بيني روحاني نشويد. اگر خدا عطيه‌اي بدهد و يا قابليتي را به شما محول كند، آگاه باشيد كه آن از طرف خداست و از خودتان نيست.
-12:3؛ اگر خدا به شما عطيه‌اي بخشيده است و يا قابليتي داده است و به شما خدمتي محول نموده است، سعي كنيد آن را براي خدا به‌كار ببريد. خود را ناچيز و كم نپنداريد و دچار عقدهٔ خودكم‌بيني مشويد.
-12:5؛ به ياد داشته باشيد كه شما به مسيحيان ديگر براي رشد و ترقي در ايمانتان نيازمنديد. از داشتن روحية استقلال كاذب و ناسالم پرهيز كنيد و در پي همكاري و همراهي و اتكاي متقابل با ايمان‌داران ديگر باشيد.
-12:6؛ اگر خدا به شما عطاي نبوت داده است، از آن براي اعلام كلام خدا و پيغام خدا استفاده كنيد.
-12: 8؛ اگر خدا به شما عطية خدمت به ايمان‌داران محتاج را بخشيده است، با كمال سرور و رحمت اين كار را انجام دهيد.
-12: 8؛ اگر عطاي رهبري و پيشوايي داريد، سعي كنيد با جدّ و جهد تمام رهبري كنيد ولي مواظب باشيد كه به يك رهبر اقتدارگرا تبديل نگرديد (متي 20:25-28).
-12:10؛ عطايا و خدمت ايمان‌داران ديگر را محترم و مفيد بشماريد.
-12:11؛ هميشه كارهاي خود را با جديت و پشتكار انجام دهيد و اسير تنبلي نگرديد.
-12:12؛ هميشه مسرور و خوش باشيد زيرا خدا به وعده‌هاي خود عمل خواهد كرد.
-12:13؛ در زمان سختي و جفا صبور باشيد، زيرا صبر شما دليل محبتتان به خدا محسوب مي‌شود.
-12:14؛ براي كساني كه به شما بدي و جفا مي‌كنند دعا كنيد و بركت طلب نماييد (لوقا 6:27-28).
-12:15؛ با ديگران همدردي نماييد.
-12:16؛ با كساني كه از خودتان پايين‌تر هستند، دوستي و محبت كنيد.
-12:17-21؛ هرگز مغلوب بدي نشويد بلكه بدي را به وسيلهٔ نيكويي مغلوب نماييد.

كاربرهاي شخصي
- من نمي‌خواهم كه بدنبال راههاي گناه‌آلود اين جهان باشم. من نمي‌خواهم كه اين جهان مرا به درون قالب خود فرو كند. بر عكس مي‌خواهم كه از درون متبدل شوم و ذهنم را تغيير دهم و وجدان خودم را به اطاعت كتاب‌مقدس در بياورم. بنابراين كتابها و مجلات و فيلمهاي بد را نگاه نمي‌كنم و تحت تاثير شرارت موجود در اين جهان قرار نگيرم. سعي مي‌كنم كه ارادهٔ كامل و پسنديدهٔ خدا را براي خودم تشخيص دهم.
- من نمي‌خواهم دچار عقدهٔ حقارت و خودبزرگ‌بيني بشوم. من مي‌خواهم عقيدهٔ شفاف و واقع‌بينانه‌اي نسبت به خودم داشته باشم. من مي‌خواهم كه مسيحيان ديگر را از خود بهتر بدانم و خدمات و عطاياي روحاني ايشان ار ارج بنهم.

گام 5: دعا
دعا: هر يك از ما به‌نوبت در بارهٔ يكي از حقايقي كه خدا از روميان 12:1-21 به ما آموخته است، دعا كنيم.

(نسبت به آنچه كه در طول اين بررسي كتاب‌مقدس آموخته‌ايد، در دعا واكنش نشان دهيد. تمرين كنيد كه فقط طي يك يا دو جمله دعا كنيد. به يـاد داشـته باشـيد كـه افـراد در گروههـاي مختلف، در بـارة مطالب متفاوتي دعا خواهند كرد.)

5 دعا (8 دقيقه)
دعاي واكنشي
به دعا كردن در گروههاي دو نفري يا سه نفري ادامه دهيد. براي يكديگر و براي مردم جهان دعا كنيد.

6 تكليف (2 دقيقه)
براي جلسه بعد
(رهبر: اين تكليف را به‌صورت نوشته به اعضاي گروه بدهيد يا بخواهيـد كـه آن را در دفـتر يادداشتشـان رونويسي كنند).
- تعهد: نسبت به شاگردسازي و بناي كليسا و موعظة ملكوت احساس تعهد كنيد.
براي يك فرد يا يك گروه روميان 12:1-21 را موعظه كنيد، يا تعليم دهيد يا بررسي نماييد.
- وقت خلوت: هر روز به اندازة نصف فصل از ارميا 25، 29، 30، 31 را بخوانيد. از روش حقيقت دلخواه استفاده كنيد. يادداشت برداريد.
- به خاطر سپردن: منابع الهي 5. شفاي الهي: دوم تواريخ 7:14. هر روز 5 آية حفظي آخر را تكرار كنيد.
- آمادگي: مثل كارگران تاكستان در متي 20:1-16. از روش 6 گام براي تفسير مَثَل‌ها استفاده كنيد.
- دعا: در اين هفته براي يك شخص يا يك چيز مشخص دعا كنيد و ببينيد كه خدا چه مي‌كند (مزمور 5:3).
- پوشة مربوط به «موعظة ملكوت خدا» را تكميل كنيد.